

ضيافت

سخن درباره‌ی عشق

افلاطون

ترجمه‌ی زنده‌یاد محمدعلی فروغی

با مقدمه‌ی دکتر شیده احمدزاده



کتاب گزینش

فهرست مطالب

۷	زندگی و زمانه‌ی افلاطون
۷	تولد افلاطون
۸	اصل و نسب افلاطون
۱۱	تعبیر خواب سقراط
۱۲	مرگ سقراط
۱۲	سفرهای افلاطون
۱۴	تأسیس نخستین آکادمی
۱۴	حضور ارسطو در آکادمی
۱۵	روش تدریس افلاطون
۱۶	آثار افلاطون
۱۸	ویژگی‌های رساله‌های افلاطون
۱۹	چگونگی آثار افلاطون
۲۱	بهترین شیوه‌ی آموزش
۲۳	خصایص آثار افلاطون
۲۴	روش آموزه‌های سقراطی
۲۵	ویژگی فلسفه‌ی افلاطون
۲۶	کتاب ضیافت یا مهمانی
۳۱	کلام محوری عشق در اندیشه‌ی فلسفی افلاطون
۳۱	مقدمه
۳۲	اساطیر یونان و عشق در فلسفه‌ی افلاطون
۳۴	زیبایی و عنصر شناخت (خرد)
۳۹	نتیجه
۴۰	کتاب‌شناسی
۴۱	ضیافت
۵۰	خطابه‌ی فایدروس
۵۳	خطابه‌ی پائوسانیاس
۵۹	خطابه‌ی آروکسی ماخوس
۶۴	خطابه‌ی آریستوفانس
۷۱	خطابه‌ی آگائون
۸۲	خطابه‌ی سقراط
۱۰۲	خطابه‌ی آلکیبیادس در ستایش سقراط
۱۱۵	واژه‌نامه

زندگی و زمانه‌ی افلاطون

محمدعلی فروغی

تولد افلاطون

افلاطون از بزرگ‌ترین فلاسفه‌ی عصر و از شاخص‌ترین استادان نوع بشر بوده است؛ به طوری که هرگاه بخواهیم در زندگی و زمانه‌ی او وارد شویم نمی‌توانیم او را از سقراط که استادش بوده جدا کنیم. سبب اینکه این استاد و شاگرد را نمی‌توان از هم جدا کرد، این است که سقراط گذشته از قدمت زمانش، نویسنده نبوده و اصلاً قلم روی کاغذ نگذاشته است، و بنابراین اگر افلاطون و یک نفر شاگرد دیگر سقراط که گزنفون نام داشته نبودند، امروز احوال و روزگار سقراط به کلی مجهول بود.

اما افلاطون که برعکس سقراط، آثار مکتوب بسیار دارد، این امر عجیب در کار او هست که هیچ‌یک از تحقیقات و تعلیمات خویش را به خود نسبت نداده و هر چه نوشته است به صورت مکالمه میان دو یا چند نفر است و از این رو کتب و رسایل او موسوم است به مکالمات و در آن مکالمات دو نفرند و یکی از آن‌ها سقراط است، و اگر چند نفرند باز شخصیت مهم آن جمع سقراط است و روی سخن در همه جا با اوست. نتیجه اینکه از یک طرف از سقراط آثاری باقی نمانده، و از طرف دیگر هر چه افلاطون نوشته به نام سقراط نوشته است؛ این است که نمی‌توان افلاطون را از سقراط جدا کرد و بنابراین باید تعلیمات سقراط و افلاطون را از روی حدس و قیاس از هم تمییز داد.

در هر حال چه بتوانیم تشخیص بدهیم و چه نتوانیم، آثار افلاطون مبدأ و منشأ

حکمت یونان است که فلسفه‌ی امروز دنیا نیز ادامه‌ی همان است.

تولد افلاطون در سال ۴۲۷ قبل از میلاد در شهر آتن بوده و این زمان را اگر بخواهیم با تاریخ ایران تطبیق کنیم زمان سلطنت اردشیر درازدست پادشاه هخامنشی می‌شود. خود افلاطون شهروند امپراتوری پارس محسوب نمی‌شد؛ زیرا در بخشی از یونان می‌زیست که از متصرفات ایران محسوب نمی‌شد، اما از امپراتوری ایران پادشاهان ایران مکرر نام برده است، و جای خرسندی است که به بدی نام نبرده، بل ستوده است و این خود نشانی است بر اینکه ایرانی‌ها قومی بوده‌اند که دشمنان‌شان هم آن‌ها را توهین نکرده و تمجید نموده‌اند.

نام واقعی افلاطون، آریستوکلس است و افلاطون (پلاتون) در زبان یونانی به معنای وسیع است. درست معلوم نیست که چرا این لقب را به او داده‌اند. برداشت‌های متفاوتی در این باره کرده‌اند. بعضی‌ها گفته‌اند به واسطه‌ی اینکه چارشانه و وسیع‌الصدر به معنای ظاهری بوده و قدی بلند داشته است. برخی دیگر نوشته‌اند پیشانی بلند و بزرگی داشته است و گروهی نیز گفته‌اند مقصود معنی حقیقی پلاتون نیست، بل معنای مجازی آن است. یعنی افلاطون وسیع‌الصدر، به معنای مجازی بوده است. با این نظرات و اینکه کدام درست است کاری نداریم و همین قدر باید بدانیم نامی که پدرش روی او گذاشت آریستوکلس بود و بعدها معروف به افلاطون شد.

اصل و نسب افلاطون

افلاطون از خانواده‌ای بزرگ و ارجمند بوده است. نسب او از طرف پدر به کدروس می‌رسد که آخرین پادشاه آتن بوده و بعد از او دولت آتن مبدل به جمهوری شده است. از جهت مادر نیز شریف و محترم بوده و نسب مادرش به شخص دیگری می‌رسد که از مردمان نامی بوده است و او سولون است که پادشاه نبود، اما مقام حکمت داشت. ذکر این نکته نیز ضروری است که پیش از ارسطو و افلاطون، حکمت، معنا و جایگاهی داشته است؛ البته غیر از آنچه بعدها پیدا کرد. چه پس از افلاطون و به‌ویژه